بررسی رویه‌های تحدید حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد[1]

(مقاله علمی-پژوهشی)

سعید رجبی*

سید باقر میر عباسی**

سهراب صلاحی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

چکیده

حق وتو به‌عنوان یکی از ابزارهای اعمال قدرت توسط اعضای دائم شورای امنیت، همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. این مقاله با هدف بررسی رویه‌های تحدید حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظریه واقع‌گرایی به انجام رسیده است. سؤال اصلی پژوهش این است: امتیاز حق وتو برای اعضای دائم شورای امنیت چه تأثیری بر حق وتوی شورای امنیت دارد؟ نتایج نشان می‌دهد: امروزه بروز تحولات مختلف سیاسی و اقتصادی در صحنهٔ بین‌المللی موجب شده است تا اعمال وتو دیگر به‌صورت باز و واقعی صورت نگیرد و اعضای دائم به سمت وتوی پنهان و غیرعلنی گرایش پیداکرده‌اند. از طرف دیگر، امروز مسئلهٔ تحدید حق وتو مورد توجه محافل بین‌المللی قرارگرفته است و کشورهای مختلف اظهار می‌دارند که در مواردی نظیر نسل‌کشی و ارتکاب جنایات گسترده علیه بشریت باید حق وتو را محدود نمود. مع‌ذلک، این امر هنوز قطعی نشده و مورد تصویب نهایی قرار نگرفته است. لکن به دلیل تحولات به وجود آمده در عصر جدید و وجود بحران‌هایی نظیر سوریه این امر دور از انتظار نیست که با تصویب اسناد لازم‌الاجرا عملاً اعمال وتو با محدودیت جدی مواجه گردد؛ هرچند با اعمال وتوی پنهان نوعی محدودیت در حق وتو را شاهد هستیم.

کلیدواژگان:

سازمان ملل متحد، شورای امنیت، حق وتو، تحدید، حق، وتوی پنهان.

---

۱. این مقاله از رسالهٔ دکتری به راهنمایی دکتر سید باقر میرعباسی و مشاوره دکتر سهراب صلاحی اقتباس‌شده است.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی
saeidvafa1926@gmail.com

** استاد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
Merabbassi.parselo@gmail.com

*** استادیار، دانشکده حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام
Salahi.sohrab@gmail.com

مقدمه

حق وتو یکی از مهم‌ترین دستاوردهای ایجاد سازمان ملل متحد بعد از جنگ جهانی دوم به‌منظور تأمین صلح و امنیت بین‌المللی توسط قدرت‌های برتر جهانی بود. ازنظر لغوی، وتو کلمه‌ای از زبان لاتین و به معنای «من منع می‌کنم» است. سازمان ملل در پایان جنگ جهانی دوم و از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ شکل گرفت و روال‌های حاکم بر فعالیت آن نشان از شرایط جهانی بعد از جنگ دوم دارد. قوی‌ترین نهاد سازمان ملل، یعنی شورای امنیت، پنج عضو دائمی که در تصمیمات این شورا حق وتو دارند. حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل به معنی آن است که هریک از پنج عضو دائم این شورا اگر با تصمیمی از تصمیم‌های این شورا مخالفت کنند، آن تصمیم رد خواهد شد، صرف‌نظر از این‌که اکثریت اعضا به آن رأی موافق داده باشند یا خیر. رأی ممتنع به معنای رأی مخالف نیست و وتو به شمار نمی‌رود.[1]

لذا این مسئله در ادوار گذشته باعث سرکوب سایر کشورهای عضو سازمان ملل شده و استفاده کردن از این حق از هدف اولیه خود، یعنی ایجاد و تأمین امنیت، خارج شده و جنبهٔ سیاسی به خود گرفته است؛ به این معنا که کشوری مثل آمریکا که خود را ابرقدرت جهانی قلمداد می‌کند، از هرگونه قطعنامه‌ای که منافع آن و متحدان این کشور را با خطر مواجه کرده است، جلوگیری می‌کند و بدون اینکه به منافع سایر کشورها و نظر آنها توجهی داشته باشد.[2]

این یک ابهام و مشکل اساسی در روند تأمین صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود. شورای امنیت سازمان ملل متحد چندین مشکل اساسی دارد: اول اینکه، عضویت شورای امنیت از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۴۵ بسیار کم تغییر کرده است. به‌رغم اینکه تعداد کشورها از زمان تأسیس شورای امنیت تا به امروز چهار برابر شده و قدرت کشورهای دیگر نیز به نسبت چند برابر شده و این حق وتو هیچ‌کدام از این مسائل را مورد توجه قرار نداده است؛ دوم، اختلافات بین کرسی‌های دائمی و غیردائمی شورای امنیت می‌باشد که سازمان را تا حدودی ناکارآمد کرده است. پنج عضو دائم انگلیس، فرانسه، ایالات‌متحده، روسیه و چین- دارای کرسی‌های دائمی و از

1. Chan Steve(2003). " Power, Satisfaction and Popularity: A Poisson AnalysisofUNSecurity CouncilVetoes".from: https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/0010836703384001.
2. Lättilä Ville(2019). "A New Proposal For UN Security Council Reform", from: https://www.oxfordresearchgroup.org.uk/blog/a-new-proposal-for-un-security-council-reform.

حق وتو برخوردارند؛ درحالی‌که وضعیت اعضای غیر دائم ممکن است در برخی لحاظ از اعضای دائم به نسبت بهتر باشد. این مسئله موردتوجه شخصیت‌های سیاسی متعددی ازجمله سفیر سابق نیوزیلند، کالین کیتینگ است که در این مورد بیان داشته است اعضای غیردائمی اساساً نقش تصمیم‌گیری‌های پوشالی دارند که این امر به ارادهٔ قدرت‌های برتر به خاطر داشتن حق وتو بوده و باعث تضعیف موقعیت سیاسی و شخصیت بین‌المللی آنها شده است.[1]

بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که سازمان ملل و شورای امنیت به‌عنوان مهم‌ترین عضو آن اصلاحات ساختاری، به‌منظور بهتر کردن عملکرد آن ضروری باشد؛ چراکه در بحران‌های اخیر خاورمیانه سازمان ملل و عضو مذکور با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده است. این پژوهش با هدف بررسی تحدید شورای امنیت در بعد حق وتوی کشورهای قدرتمند، به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از نظریه واقع‌گرایی انجام‌شده و اطلاعات لازم را از کتب و مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری کرده است. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: امتیاز حق وتو برای اعضای دائم شورای امنیت چه تأثیری بر حق وتوی شورای امنیت دارد؟ که این سوال با فرضیهٔ توسل به حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل روند کاهشی را طی کرده است، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

در خصوص حق وتو، دیدگاه‌ها و متون متعددی طرح و منتشرشده که با توجه به رویکرد پژوهش حاضر که بر تحدید حق وتو در شورای امنیت استوار است، می‌توان آنها را به دو دسته کلی تقسیم نمود:

الف) متونی که به جایگاه شورای امنیت در ایجاد صلح و امنیت جهانی پرداخته‌اند. در این متون به جایگاه شورای امنیت سازمان ملل در ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین عوامل مؤثر بر ناکارآمدی شورای امنیت در انجام این مهم پرداخته‌اند. در این خصوص نیز می‌توان به این منابع اشاره کرد: دانشمند، (۱۳۹۸)؛ اسدی، (۱۳۹۸)؛ علی اکبری، (۱۳۹۸)؛ موسی زاده و جمشیدی (۱۳۹۸)؛ سجادپور و آقا محمدی، (۱۳۹۴)، ملینگ،[2] (۲۰۱۷)؛ بابایی، (۱۳۹۴)؛ مجتهدی، (۱۳۹۱).

1. Lättilä Vill.ibid.
2. Graham Melling

ب) متونی که به اختیار شورای امنیت در حق وتو پرداخته‌اند در این متون به بیان موارد کاربرد حق وتوی شورای امنیت، و اجرای وظایفی که به‌موجب این مسئولیت بر عهده دارد، پرداخته‌اند: در این خصوص می‌توان به این منابع اشاره کرد: پورمرادی، (۱۴۰۰)؛ نیکولز،[1] (۲۰۱۹)؛ مک کلوچ،[2] (۲۰۱۹)؛ ایمانوئلا،[3] (۲۰۱۸)؛ کمپوز،[4] (۲۰۱۸)؛ دولاح و شافع (۱۳۹۶)؛ رحیمی دستجردی، (۱۳۹۱)؛ سلین ناهوری، (۲۰۱۲)؛[5] چهل تنی، (۱۳۸۸).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، عمده متون موجود از حیث تعریف نوع رابطه بین متغیرهای پژوهش، با نوشتار حاضر متفاوت‌اند. بدین معنا که عمدتاً به‌حق وتو و شورای امنیت و جایگاه آن در صلح و امنیت بین‌المللی توجه شده و از عامل «تحدید حق وتو در شورای امنیت» کمتر سخن به میان آمده است که نوآوری پژوهش حاضر را شکل می‌دهد.

۲. مبانی مفهومی

۲.۱. مفهوم وتو

تعریف لغوی حق وتو در مطالب فوق به آن اشاره شده است، بنابراین رأی منفی فقط هنگامی «وتو» تلقی می‌گردد که به مسائل ماهوی مربوط می‌شود و نه موارد مربوط به آیین کار.[6] لذا ماده ۲۷ منشور ملل متحد بین مسائل شکلی و ماهوی تفاوت قائل شده است که مطابق آن تصمیمات شورای امنیت در مورد موضوعات شکلی باید با رأی مثبت ۹ عضو به تصویب برسد. تصمیمات دربارهٔ سایر موضوعات با رأی مثبت ۹ عضو شامل آرای موافق تمام اعضای دائم به تصویب خواهد رسید که این موضوع بیانگر حق وتو برای اعضای دائم شورای امنیت می‌باشد.[7]

---

1. Michelle Nichols
2. Allison McCulloch
3. Florence Emmanuela
4. Rodrigo Campos
5. celine Nahory
6. Procedural

ثقفی عامری، ناصر، ***سازمان‌ملل متحد، مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی***، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، صص ۲۲ و ۲۳.

7. Okhovat, Sahar, *The United Nations Security Council: Its Veto Power and Its Reform*, The Centre for Peace and Conflict Studies The University of Sydney, 2012, p9.

۲.۲. انواع وتو

حق وتو در رویهٔ شورای امنیت سازمان ملل متحد در عمل به پنج نوع تقسیم‌بندی شده است که ذیلاً به نحو اجمال موردتوجه قرار خواهد گرفت.

۲.۲.۱. وتوی واقعی یا باز[۱]

به هر رأی منفی از طرف یک عضو دائم شورای امنیت در هر مسئله ماهوی وتو گفته می‌شود. این وتو را وتوی واقعی یا باز می‌نامند.[۲]

۲.۲.۲. وتو از طریق نمایندگی[۳]

این وتو زمانی اعمال می‌گردد که یک عضو شورای امنیت، اختیار وتوی خود را از طرف دولتی که عضو دائم شورا نیست و یا دولتی که عضو شورا نمی‌باشد، به کار می‌برد. درواقع منظور از اعمال حق وتو از طریق نمایندگی این است که یک عضو دائم شورا حق وتو را در یک اختلاف و یا وضعیت از طرف دولتی که حق وتو ندارد و درگیر آن اختلاف یا وضعیت است به‌کار می‌برد.[۴]

۲.۲.۳. وتوی مضاعف[۵]

زمانی که در شورای امنیت اختلاف ایجاد شود که آیا طرح پیشنهادی به شورا جزء موارد شکلی است یا ماهوی وتوی مضاعف رخ می‌دهد. اگر یک عضو دائم از حق وتوی خود استفاده نماید تا طرح پیشنهادی موردنظر جزء موارد شکلی یا آیین کار محسوب نگردد و طرح مزبور را نهایتاً وتو نماید، وتوی مضاعف محقق خواهد شد.[۶]

۲.۲.۴. وتوی مصنوعی یا تحمیل‌شده

وتوی مصنوعی یا تحمیل‌شده به وتویی اطلاق می‌گردد که یک عضو دائم شورای امنیت اعلان رضایت خود را برای موضوعاتی که به‌طور طبیعی بر اساس رأی اکثریت تصمیم‌گیری می‌شود، اساسی جلوه می‌نماید.

1.The real or open Veto
2. Anjali V. Patil, *United Nations Veto in World Affairs: A Complete Record and Case History of the Security Council's Veto*, Florida: Unifo Publishers, first published 1992 , p16.
3. Veto by Proxy
4. Anjali V. Patil: p17
5. The Double Veto
6. Michael J. Kelly, U.N." Security Council Permanent Membership: A New Proposal for a Twenty-First Century Council", *Seton Hall Law Review*, Volume 31, Issue 2, Article 1, 2011, p329.

۲.۲.۵. وتوی پنهان

درواقع، وتوی پنهان عبارت است از «رد یک پیشنهاد بدون رأی منفی از طرف اعضای دائم از طریق تشویق اعضای شورا به دادن رأی ممتنع و مخالف، به‌گونه‌ای که آرای ممتنع و منفی برای جلوگیری از تصویب پیشنهاد کافی باشد».[۱]

۳. مبانی نظری

۳.۱. رویکرد واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی

واقع‌گرایی[۲] به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نظریه‌های جریان سنتی واصلی روابط بین‌الملل است که از بعد از جنگ جهانی دوم به‌عنوان نظریه‌ای مسلط،[۳] نقش بسیار مهمی را در تبیین تحولات نظام بین‌المللی داشته است.[۴]

واقع‌گرایی مدرن (مورگنتا، نیبور،[۵] کنان)،[۶] واقع‌گرایی ساختاری (والتز، گیلپین)،[۷] واقع‌گرایی تدافعی و تهاجمی[۸] (والت، مرشایمر، فرید زکریا) است که از اصول و مفروضات مهمی همچون دولت‌محوری، تأکید برکنشگری عقلانی دولت‌ها به‌عنوان بازیگرانی امنیت‌جو و قدرت‌طلب، تأکید بر توازن قدرت و بازدارندگی به‌عنوان مهم‌ترین شیوهٔ حفظ نظم و ثبات در نظام بین‌الملل، تأکید بر اصل بقا، جدایی اخلاق از سیاست، تأکید بر امنیت فیزیکی دولت و قدرت مادی[۹] و ... شکل‌گرفته است.[۱۰]

---

۱. موسی‌زاده، رضا، ***حقوق سازمان‌های بین‌المللی حقوق شورای امنیت***، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹، ص ۲۹۰.

2. Realism

۳. نظریه واقع‌گرایی از دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰ بر مطالعه روابط بین الملل در آمریکا استیلا داشت. به علاوه قالب فکری موسوم به قالب فکری سنتی نظام بینالملل مبتنی بر مفروضاتی است که در این نظریه یافت می‌شود (دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، ***نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل***، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

۴. جعفری، علی‌اکبر، **نظریه نئورئالیسم و اتحاد استراتژیک میان آمریکا ـ اسرائیل**، پژوهشنامه حقوق و سیاست، ۱۳۸۶، شماره ۶، ص ۱۱۷.

5. Nibur
6. Kenan
7. Gilpin
8. Defensive and offensive realism

۹. پیروان این دیدگاه معتقدند امنیت ملی، مفهومی عینی و واقعی دارد و کلیت آن تجزیه‌ناپذیر است.

10. Morgenthau, Hans Jauchim (1985). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*, New York: knopf. And Griffiths, Martin, "Beyond the Bush Doctrine: American Hegemony and World Order" , from: www.griffith.edu.au/dspace/handle/10072/24862. 2005.

قدرت وتو که بر اساس توانایی‌های نظامی و تلاش برای ایجاد امنیت ارزیابی می‌شود، در سیاست‌های جهانی مهم‌ترین عامل محرک و مؤثر محسوب می‌گردد. نگاه واقع‌گرایان به امنیت بین‌المللی، نگاهی محدود و تقلیل‌گراست که از محدودهٔ مرزهای دولت‌ها چندان فراتر نمی‌رود. واقع‌گرایان بیشتر از این‌که امنیت بین‌الملل را به‌صورت مفهومی منحصربه‌فرد در نظر بگیرند، آن را با تمرکز بر امنیت ملی دولت ـ ملت‌ها تعریف می‌کنند و حاکمیت و استقلال کشورها را مهم‌ترین رکن امنیت بین‌الملل می‌دانند.

نظر واقع‌گرایان در خصوص همکاری‌های امنیتی این است که چون این نوع همکاری‌ها برای تأمین امنیت شخصی و علیه دشمن صورت می‌گیرد، لذا هدف از ائتلاف‌های نظامی و همکاری‌های تسلیحاتی اعم از خریدوفروش تسلیحات و انتقال اطلاعات علاوه بر سود اقتصادی، نوعی نمایش موازنهٔ قدرت و موازنهٔ تسلیحاتی هم هست. واقع‌گرایان معتقدند چنانچه شرایط ایجاب نماید، همکاری نظامی که عالی‌ترین سطح همکاری است، نیز ناپایدار خواهد بود. همچنین واقع‌گرایان بر این عقیده‌اند که تغییر در نظام بین‌الملل در اثر جنگ یا تغییر ساختار قدرت صورت می‌گیرد. به نظر آنها، استمرار چهرهٔ غالب نظام بین‌الملل است و تغییری اتفاق نمی‌افتد مگر آن‌که:

الف) ساختار قدرت در نظام بین‌الملل تغییر کند.

ب) جنگ بزرگی صورت گیرد.[1]

نوواقع‌گرایی که برخی مواقع واقع‌گرایی جدید یا واقع‌گرایی ساختاری[2] نامیده می‌شود، در اواخر دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت، نوواقع‌گرایی روایتی قدرتمند از واقع‌گرایی است که می‌گوید تا وقتی نظام بین‌الملل اقتدارگریز باشد، کشمکش بر سر قدرت و امنیت ادامه خواهد داشت، نوواقع‌گرایی ریشهٔ نگرانه‌ترین نقدها را بر پروژه‌های اصلاح‌طلبانه در سیاست بین‌الملل دارد، ساخته است. از همین رو شگفت‌آور نیست که این مکتب آماج اصلی حملهٔ کسانی قرارگرفته است که چارچوب ذهنی‌شان اصلاح‌طلبانه یا انتقادی است. ادعای رابرت کاکس مبنی بر اینکه «دانش و آگاهی پیوسته برای کسی و برای هدفی است»، گامی جدید را در تئوری روابط بین‌الملل به وجود می‌آورد. کاکس نوواقع‌گرایی را نظری محافظه‌کارانه و راهگشا می‌دانست که

۱. عسگرخانی، ابومحمد، **رژیم‌های بین‌المللی**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۴۲.

2. Structural Realism

می‌خواهد درک کند دولت‌ها چطور می‌توانند نظم و ثبات را به وجود آورده، آن را تأمین کنند، اما به گفتهٔ وی، این خواسته از اولویت‌های قدرتمندترین دولت‌ها و نیروهای اجتماعی در نظام جهانی است.[۱]

۳.۲. بررسی سازمان ملل و شورای امنیت بر اساس رویکرد واقع‌گرایانه

اگرچه در زمان تأسیس سازمان ملل متحد روح ایدئالیستی وجود داشته است، این ایدئالیسم فاصلهٔ فوق‌العاده‌ای با ایدئالیسم زمان تشکیل جامعهٔ ملل داشت و بنیان‌گذاران سازمان ملل تجربهٔ شکست ایدئالیسم ویلسونی را که در روح جامعه ملل بود، می‌شناختند، ولی باز این تئوری که از طریق به‌کارگیری سازمان بین‌المللی و حقوق بین‌الملل می‌توان نظم را در جهان برقرار کرد، زمینهٔ کار و عمل سازمان ملل را فراهم آورد.[۲]

اگر از دیدگاه واقع‌گرایانه ساختار سازمان ملل را مدنظر قرار دهیم، متوجه می‌شویم که وضعیت دوگانه‌ای بر این سازمان حاکم است. بدین شکل که از یک‌سو بر حاکمیت برابر کشورها تأکید می‌کند که ازنظر حقوقی قدرت سیاسی خاصی وجود ندارد؛ زیرا بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد رسماً اعلام می‌دارد: «سازمان ملل بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه‌ی اعضای آن قرارداد» و در ماده ۱۸ منشور ملل متحد برای هر عضو مجمع عمومی یک رأی در نظر گرفته‌شده است. اما از سوی دیگر، جلوه‌هایی که از نابرابری ناشی از ساختار توزیع قدرت بین‌المللی در آن مشاهده می‌شود، برابری حاکمیت کشورها در مجمع عمومی تحقق‌یافته است، درحالی‌که در شورای امنیت، اراده از آنِ قدرت‌های بزرگ است. درواقع سازمان ملل، عدالت، ثبات و امنیت را بر اساس قدرت سازمان‌دهی می‌کند.

واقع‌گرایان بر اساس شاخص‌های قدرت‌محور، سازمان ملل را بررسی می‌کنند. به‌طورکلی، بر اساس نگرش رئالیستی، سازمان‌های بین‌المللی انعکاس منافع و قدرت‌های بزرگ می‌باشد. آنان می‌توانند از طریق همکاری با یکدیگر، محدودیت‌هایی را برای سایر بازیگران ایجاد کنند. شواهد و اسناد موجود نشان می‌دهد که قطعنامه‌های شورای امنیت بیش از آن‌که ماهیت حقوقی داشته

---

۱. مشیرزاده، حمیرا، ***تحول در نظریه های روابط بین الملل***، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۴، ص ۱۰۸.
۲. دوستی، جعفر، «بررسی پیشنهادهای مربوط به اصلاحات ساختاری در شورای امنیت سازمان‌ملل متحد و آینده‌ی آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶، ص ۲۴.

باشد یا این‌که بر اساس مفاد منشور ملل متحد تنظیم شود، انعکاس اهداف سیاسی و استراتژیک کشورهای مؤثر در سیاست بین‌الملل و شورای امنیت می‌باشد. قطعنامه‌های شورای امنیت در دوران جنگ سرد و نیز بعد از جنگ سرد[1] دارای چنین ماهیتی می‌باشد.

این امر نشان می‌دهد ماهیت کنش بازیگران دائمی شورای امنیت با تغییر چندانی روبرو نشده است. به‌عبارت‌دیگر، طبیعت و بنیان‌های کارکردی شورای ثابت باقی‌مانده است؛ چراکه فاصله حقوقی بین کشورهای عرصهٔ نظام بین‌الملل همچنان احساس می‌شود.[2] در این فضا طبیعی به نظر می‌رسد که سازمان ملل اقدامات لازم برای رسیدن به یک دستاورد مهم تحت تأثیر ویژهٔ قدرت سیاسی کشورهای این نظام قرار دارد؛ زیرا در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که قانون و عدالت، قربانی فضای ناشی از قدرت‌سازی بازیگران اصلی شورای امنیت می‌شود. دراین‌باره هانتینگتون عنوان کرده است که در قدرت‌های غربی تلاش می‌کنند و خواهند کرد که موقعیت ممتاز خود را حفظ کنند و از منافع خود که آن را منافع جامعهٔ جهانی تعمیم می‌دهند، دفاع کنند. با عبارت جامعهٔ جهانی می‌خواهند به اقداماتی که منعکس‌کنندهٔ منافع آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی است، مشروعیت بین‌المللی بدهند.[3]

بر اساس نگرش نئورئالیسمی که مبتنی بر نقش ساختار بین‌المللی و چگونگی توزیع قدرت جهانی در حل‌وفصل منازعات می‌باشد، کشورهای ضعیف یا باید ناکامی را بپذیرند یا اینکه به نبرد مبادرت ورزند. بر اساس این نگرش، قانون نهاد بین‌المللی و حقوق بین‌المللی نمی‌توانند تأثیر چندانی بر فرایند محیطی بر جای گذارد. این‌گونه نظریه‌پردازان بر این اعتقادند که نهادهای سیاسی خارج از ارادهٔ کشورهای بزرگ نمی‌توانند وظایف خود را انجام دهند.

با این تفاسیر می‌توان گفت قدرت سیاسی در نظام بین‌الملل نقش مهم و اصلی را ایفا می‌کند و دولت‌هایی که دارای قدرت قابل‌توجهی‌اند، در این عرصه مؤثرتر و فعال‌تر می‌توانند نقش خود را ایفا کنند. حق رأی گر چه ازنظر اصولی انتقادپذیر است، ازنظر واقع‌گرایی سیاسی قابل توجیه به نظر می‌رسد و این امر اثبات‌شده است؛ چراکه هر تصمیمی که منافع کشورهای قدرتمند را

1. Miller, Benjamin (2010)," Democracy Promotion: Offensive Liberalism Versus the Rest of IR Theory", *Journal of International Studies*, Vol. 38 No.3.p564.

۲. دوستی، پیشین، ص ۲۴.

۳. هانتینگتون، ساموئل، ***برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم نوین جهانی***، ترجمه محمدعلی رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸، ص ۲۹۳.

تهدید کرده، یا با وتو از عملی کردن آن جلوگیری می‌کنند و یا اینکه در صورت عملی کردن آن تصمیم نظام بین‌الملل با فتنه‌ای مواجه شده است. حال آن‌که هدف از تشکیل سازمان ملل باید نشاندن موازین عدالت و حقوق بین‌الملل بر ضد جایگاه زورمداری باشد، بدیهی است که مبارزه با زورمداری به تخاصم و فتنه خواهد انجامید.

۴. یافته‌های تحقیق

با توجه به تفاسیر موارد ارائه‌شده در بندهای پیشین، حال می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های راهبردی ناظر به رویه‌های تحدید حق وتو را با عنایت به عملکرد شورای امنیت سازمان ملل به شرح زیر بیان نمود:

۴.۱. دلایل استفاده از حق وتو

این مسئولین کشورهای پیروز در جنگ جهانی دوم دلیل ایجاد سازمان ملل و داشتن حق وتویی را که امروزه در شورای امنیت شاهد آن هستیم، این‌گونه بیان داشتند که امنیت بین‌المللی به ریاست «چهار پلیس جهانی» باید ایجاد شود؛ چراکه کشورهای دیگر هرگز قادر به استفاده از این عنوان به خاطر ضعف نظامی اقتصادی و سیاسی نخواهند بود.[1]

البته شایان ذکر است که بعد از جنگ جهانی دوم منازعات بین کشورهایی که در این جنگ و در جنگ پیشین دچار خسارت‌های زیادی در زمینهٔ زیرساختی و اقتصادی شده بودند، احتمال اینکه بعد از گذشت مدت محدودی درصدد تلافی در برابر کشورهایی که آنها را باعث‌وبانی جنگ تشخیص می‌دادند، باشند. یا به‌عبارت‌دیگر، یک نظم مشخصی به‌منظور جلوگیری از شروع یک جنگ مجدد در عرصهٔ بین‌المللی وجود نداشت. به همین منظور کشورهایی که امروزه دارای حق وتو هستند، این مسئله را درک کردند که امکان ایجاد یک جنگ جهانی دیگر وجود دارد و باید یک اهرم فشار برای کشورها وجود داشته باشد. لذا این حق وتو را یک ابزار به‌منظور فشار بر کشورهای خاطی از اساسنامه سازمان ملل تشخیص دادند و این مسئله باعث شد که حق وتو

1. CFR Staff(2020). “The UN Security Council”. From: https://www.cfr.org/backgrounder/un-security-council.

برای کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم یک دلیل توجیه‌کننده داشته باشد و آن را یک ابزار قانونی در اذهان عمومی معرفی کنند.[1]

لذا بعد از ایجاد یا تأسیس سازمان ملل متحد کشور روسیه و چین به‌کرات از این مسئله به‌منظور تأمین منافع ملی خود استفاده کردند. همچنین بعد از دورهٔ جنگ سرد، ایالات‌متحده آمریکا نیز جمعاً در ۱۴ مورد حق وتوی خود را اعمال نموده است که ۱۳ مورد از آن در حمایت از اسرائیل می‌باشد. در این زمان، در تمامی قطعنامه‌های وتو شده در حمایت از اسرائیل، ایالات‌متحده تنها کشوری بوده که رأی منفی داده است.[2]

۴.۲. تحدید حق وتو

طرفداران تحدید حق وتوی کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم، برای اثبات نابرابری و ناعادلانه بودن آن و نیز لزوم اصلاح منشور و حذف این حق، به ادلّه متفاوتی استناد کرده‌اند که در ذیل، بررسی می‌شوند:

۱. حق وتو، ناقض اصل «تساوی» است که در موارد گوناگونی در منشور ذکرشده:

الف) مقدمه منشور: ایمان به‌تساوی حقوق بین زن و مرد و همچنین بین ملت‌های کوچک و بزرگ؛

ب) بند ۲ ماده ۱: توسعهٔ روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق؛

ج) بند ۱ ماده ۲: اصل تساوی حاکمیت تمام اعضای سازمان ملل متحد؛

د) بند ۲، ۳، ۴ و ۵: عبارت «کلیه اعضا» که بر تساوی آنان دلالت دارد.[3]

ازجمله مهم‌ترین مسائل نابرابر دانستن حق وتوی کشورهای عضو دائم شورایی امنیت عبارت‌اند از:

۲. حق وتو باعث شده است که یک مصونیت حقوقی برای اعضای دائم شورایی امنیت وجود داشته باشد و در صورت شناسایی آنها با عنوان متجاوز از هرگونه اقدام علیه منافع خود جلوگیری می‌کنند.

1. Lättilä Ville,ibid.
2. Neff, Donald, *An updated list of vetoes cast by the united states to shield Israel from criticism by the U.N. security council. Washington Report on Middle East Affairs*, 2005, p14.
3. Padelford Norman Jibid, pp. 227-246.

۳. استفاده از حق وتو، شورای امنیت و نیز کل سازمان ملل را از وظیفهٔ اصلی خود بازمی‌دارد و آن را به بن‌بست تصمیم‌گیری می‌رساند. نمونهٔ بارز آن وتوی قطعنامه‌های مربوط به محکومیت اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل غاصب توسط آمریکا، حامی اتمی او، است.

۴. شناسایی این پنج کشور در سال ۱۹۴۵ به‌عنوان «قدرت‌های بزرگ» در حقیقت، یک قضاوت سیاسی بر مبنای حقایق موجود در آن زمان به شمار می‌آمد؛ چراکه نمی‌توان ادعا کرد این پنج کشور همواره به‌صورت پنج قدرت اول جهان باقی خواهند ماند.[1]

دلایلی که در این قسمت ذکر شد، به‌عنوان تناقضاتی است که حق وتو با اساسنامهٔ سازمان ملل متحد دارد. لذا به‌منظور شرح و تفصیل تحدید حق وتو، باید به بررسی آن در ابعاد مختلف بپردازیم.

۴.۲.۱. تحدید حق وتو به دلیل تحول در روابط اعضای دائم شورای امنیت

بعد از جنگ جهانی دوم، به دلیل خسارت‌های جبران‌ناپذیری که کشورهای درگیر در این جنگ با آن مواجه شده بودند، باعث ایجاد تحولاتی وسیع در روابط آنها شد و تنش‌های موجود بین بلوک‌های آن ادوار از بین رفت و دیپلماسی فعال جایگزین شد؛ چراکه کشورهایی که عضو این بلوک‌های مذکور بودند، به این نتیجه دست یافتند که هرگونه رقابت بین آنها به نحو قابل چشم‌گیری باعث ایجاد درگیری و نزاع جدیدی می‌شود. لذا با توجه به اینکه سلاح‌های هسته‌ای به‌صورت نامتعارفی در دسترس قدرت‌های جهانی قرارگرفته بودند، باعث می‌شد که یک جنگ بی‌پایان و بدون پیروز شکل بگیرد. بنابراین به سمت همکاری و همگرایی در عرصه‌های مختلف سوق پیدا کردند و باعث شد که به دلیل رقابت منفی استفاده از حق وتو با کاهش چشمگیری روبه‌رو شود[2] و وابستگی متقابل، روابط آنها را دوستانه‌تر کند؛ زیرا ازیک‌طرف کشورهای روسیه و چین ازنظر اقتصادی و فنّاورانه به غرب نیاز دارند و از طرف دیگر نیز نیاز کشورهای غربی به بازارهای چین و روسیه و همچنین همکاری با این دو کشور برای مقابله با تهدیدات نوین پس از جنگ سرد ضرورت این همکاری را بیشتر می‌نماید. همچنین بخش دیگری از دلیل همکاری منجر به کاهش استفاده از وتوی اعضای دائم، به ضعف و مماشات چهار عضو دائم چین، روسیه، فرانسه و انگلستان در برابر ایالات‌متحده آمریکا برمی‌گردد. مجموع این عوامل باعث همکاری

1. Padelford Norman J(1948). "ibid pp. 227-246.
2. Afoaku Osita G. & UkagaOkechukwu(2001). "The Security Council of the United Nations". *Irish Studies in International Affairs*,Vol. 2, No. 2 (1986), pp. 13-33 (21 pages), Published By: Royal Irish Academy.

بین اعضای دائم و تحدید حق وتو گردیده است؛ به‌نحوی‌که می‌توان گفت با آغاز سیر نزولی تضادهای ایدئولوژیک و ظهور یک روح همکاری جویانه در شورای امنیت، یک توافق صوری بین اعضای دائم برای خودداری در استفاده از وتو شکل گرفت.[1]

۴.۲.۲. تحدید حق وتو با افزایش وتوهای پنهان

حق وتو پنهان در جلسات غیرعلنی شورای امنیت مورداستفاده قرار می‌گیرد که از آن هیچ‌گونه اطلاعاتی رسانه‌ای نمی‌شود. در زمان استفاده از وتوی پنهان باید گفت، از این مدل وتو کردن زمانی استفاده می‌شود که یک تهدیدی وجود داشته باشد که بررسی کردن آن در شورای امنیت و رسانه‌ای کردن نتیجهٔ تصمیم‌گیری از طرف کشورهای عضو شورای امنیت باعث ایجاد یک تهدید علیه امنیت جهانی باشد[2] یا اینکه باعث ایجاد یک نزاع بین خود کشورها شود. در بُعد دیگر وتوی پنهان زمانی شکل می‌گیرد که یک بحثی در شورای امنیت بین کشورها مطرح شود و قبلاً توسط یکی از اعضای دائم وتو شده باشد. یک بحث مهم در این مورد مسئله چچن است که شورای امنیت و اعضای دائم آن به‌هیچ‌عنوان از آن در جلسات علنی سخنی به میان نمی‌آوردند.[3]

با علم به عدم امکان کسب آمار دقیق از تعداد وتوهای پنهان، تنها به دو دلیل می‌توان افزایش این نوع خاص از وتو را ادعا کرد: یکی اشارهٔ منابع علمی موجود و دیگری افزایش تعداد مشورت‌های غیررسمی پس از جنگ سرد برخی از منابع به افزایش وتوی پنهان اشاره نموده‌اند که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود:

- استفاده از وتو از پایان جنگ سرد کاهش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. به‌منظور حفظ ظاهر و در همان زمان کنترل دستور کار شورای امنیت، استفاده از وتوی پنهان که به‌عنوان وتوی سری نیز شناخته می‌شود، افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است.
- ۵ عضو دائم از ۱۹۹۰ از وتو کمتر استفاده کرده‌اند، اما هنوز این اعضا به‌صورت فزاینده‌ای به وتوی پنهان متوسل می‌شوند.

---

1. Andrew F. *Cooper, John English and Ramesh Thakur, Enhancing Global Governance: Towards a New Diplomacy*, Tokyo: United Nations University Press, 2002, p2.

۲. موسی‌زاده، رضا و ارسلان جمشیدی، **وتوی پنهان و تأثیر آن بر روند تصمیم‌سازی در شورای امنیت سازمان ملل متحد**، مجله سازمان‌های بین‌المللی، ۱۳۹۸، شماره ۸، صص ۵ – ۴۴.

3. Kjellén Daniel(2015). "The Hidden Veto". Available at: http://stopillegitimatevetoes.org/podcast/the-hidden-veto.

- از زمان پایان جنگ سرد استفاده از وتو به‌طور چشمگیری کاهش‌یافته است. علی‌رغم این موضوع ۵ عضو دائم به فشار بر شورای امنیت از طریق وتوی پنهان ادامه داده‌اند. همان‌گونه که کورتیس وارد سفیر جامائیکا گفته است: «صرف وجود تهدید به وتو شیوه انجام کار شورای امنیت را تعیین می‌کند».
- حتی هنگامی‌که اعضای دائم توافق دارند تا استفاده از وتو را محدود کنند، بعضی از آنان از وتوی پنهان برای ترساندن دولت‌های دیگر از آوردن موضوعات خاصی به شورای امنیت استفاده می‌کنند. این ابزار به‌ویژه از زمان پایان جنگ سرد کارایی داشته است.[1]
- در این نمودار به میزان استفاده اعضای دائم شورای امنیت از وتوی پنهان به‌منظور تأمین منافع ملی و حتی شخصی اشاره می‌کنیم.[2]

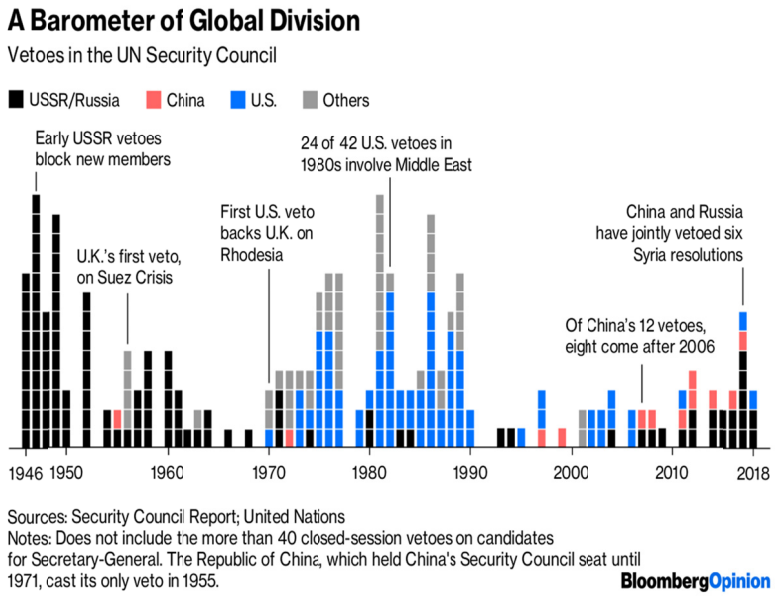

منبع: (Gibney, 2018)

1. Madeleine O. Hosli et al, Squaring the circle? Collective and distributive effects of United Nations Security Council reform, Published online: 29 March 2011 Available at: http://link.springer.com/ content/pdf/ 10.1007%2Fs11558-011-9101-1.pdf , p173.

2. Gibney James(2018).“The UN’s Darkest Hour”. Available at: https://www.bloombergquint.com/opinion/the-united-nations-and-u-s-disengagement-under-trump.

وتوی پنهان نیز به شکل سلیقه‌ای انجام می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در این نمودار مشخص است، در بحث توقف کشتار در سوریه، یمن و میانمار وتوی پنهان هرچند توسط کشورهای دائم شورای امنیت ایجاد شد، ولی ازآنجایی‌که به‌مانند بحث مسئلهٔ انرژی هسته‌ای ایران به شکل سلیقه‌ای انجام‌شده، تأثیر قابل‌توجهی بر میزان و نحوهٔ مسئله نداشته است.[۱]

یک نمونه دیگر از سوءاستفاده از حق وتو و قدرتی که در این قالب در اختیار آمریکا قرار داده‌شده است، خروج یکجانبهٔ کاخ سفید از قراردادهای بین‌المللی نظیر برجام است. در این قرارداد آمریکا خود را به‌نوعی بازندهٔ داستان می‌دانست؛ لذا با تعریف جدید از تروریست مهم‌ترین نیروی نظامی ایران و مؤثرترین نیروی مبارز با جریان‌های تکفیری داعش و ساخته‌شده توسط آمریکا و متحدان منطقه، خود را به‌عنوان تروریست معرفی کرده، مجدداً تحریم‌های همه‌جانبه را علیه این کشور اعمال نمود.[۲] یا با استفاده از وتوی پنهان یا علنی کشورهای مخالف را مجبور به پذیرش دستورات خودکرده و این روند امروزه نیز دنبال شده است. در جریان منازعه در یوگسلاوی و مداخلهٔ ناتو در کوزوو، روسیه به‌قصد حمایت از یوگسلاوی مکرراً تهدید می‌کرد قطعنامه شورای امنیت که بخواهد مجوز استفاده از زور در کوزوو را صادر کند، وتو خواهد کرد.[۳]

برای نمونه کشورهای عضو شورای امنیت و سازمان ملل در بحث حمله به عراق به بهانهٔ داشتن سلاح کشتارجمعی به پذیرش خواسته‌های خود مجبور کرد تا اینکه دولت‌ها بعد از گذشت مدتی متوجه شدند که این‌یک توهم سیاسی بیش نبوده است.[۴]

۴.۲.۳. تحدید حق وتو در جنایات گسترده علیه بشریت

در سپتامبر ۲۰۰۰، دولت کانادا کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت[۵] را تأسیس نمود که در جستجوی این امر بود که چگونه می‌توان در موارد مربوط به نقض گستردهٔ حق حیات از

---

۱. مافی، همایون و همکاران، **تدابیر منصفانه در رویه دیوان دعاوی ایران- ایالات متحده،** فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۹۲، صص۱۹۷-۲۲۲.

۲. زمانی، سیّدقاسم و مسعود صبور، **قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و خروج آمریکا از برجام: از شأن نزول ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد تا نزول شأن آن**، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۹، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۴۴، صص۷-۳۶.

3. Okhovat, Sahar, ibid. p20.

۴. عبدالهی، محسن و کیوان بهزادی، **موانع آمره بودن قاعده منع توسل به زور،** مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز ـ زمستان ۱۳۹۹، شماره۳۶، صص ۱۷۱-۱۹۸.

5. International Commission on Intervention and State Sovereignty (ICISS).

جوامع انسانی حمایت کرد؛ زیرا کشورهای دارای حق وتو که در سازمان ملل هستند، نباید حقوق بشر را از پنجره سیاسی بنگرند. در یک نمونهٔ مهم، بحث پرتاب انسان‌های کوتوله بود که در فرانسه به‌منظور سرگرمی و تمسخر رخ داد. در بطن مفاد قراردادهایی که در زمینهٔ حقوق بشر بین کشورهای مختلف ایجادشده است، محور اصلی خود را شیء فرض نکردن بشریت، نظیر آنچه در فرانسه رخداده بود، معرفی می‌کند. لذا دادگاه لاهه که یکی از مهم‌ترین ارکان سازمان ملل به‌منظور برخورد با این جنایات و جلوگیری از این مشکلات فعالیت می‌کند، با اذعان به اینکه کوتوله‌ها با رضایت خود تن به این کار به‌منظور کسب درآمد داده‌اند و به‌نوعی انصراف از حقوق خود بوده، شکایت برخی از افراد را که این مسئله را جنایت علیه بشریت قلمداد کرده بودند، رد کرد.[۱]

به همین منظور، کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد درصدد برآمدند که حق وتو از کشورهای عضو دائم شورای امنیت در بعد جنایات گسترده علیه بشریت را لغو و یا محدود کنند. چراکه اعضای دائم شورای امنیت در تعریف جنایات علیه بشریت تفاهم نداشتند و آمریکا و کشورهای اروپایی به‌منظور تأمین منافع ملی خود در خاورمیانه صرفاً درصدد تحریم سوریه و عراق به‌وسیلهٔ وتوی قطعنامه‌های سازمان مللی علیه این کشورها بودند که این مسئله با وتوی روسیه و چین مواجه شد. آنچه مشخص بود، جنگ قدرت بین اعضای دائم خود شورای بود تا اینکه مسئله جنایات علیه بشریت را موردتوجه خود قرار دهند.[۲]

در سال ۲۰۱۳ کشور فرانسه طرحی تحت عنوان «قانون رفتاری و عمل» به همراه مکزیک به سازمان مللی ارائه دادند که اقداماتی را که منجر به جنایات گسترده علیه بشریت در جهان شده است، موردتوجه قرارداد. در این طرح ذکرشده است که کشورهای عضو دائم شورای امنیت به‌صورت داوطلب از حق وتوی خود به‌منظور شناسایی و اقدامات لازم در راستای جلوگیری از جنایات گسترده علیه بشریت را از حیطهٔ اختیارات شورای امنیت که منجر به وتوی سلیقه‌ای آنها شده، خارج و تلاش کنند تمام اعضای سازمان ملل متحد به‌صورت واحد و یکپارچه بکوشند که

۱. بابای ایرج و ترابی مرتضی، **جایگاه اصل حقوق بشری حیثیت و منزلت انسانی در حقوق قراردادها،** مقاله پژوهشی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، تابستان ۱۴۰۰، شماره ۱۱۴، صص ۷۹-۱۰۵.

2. Melling Graham& Dennett Anne(2018). "The Security Council veto and Syria: responding to mass atrocities through the "Uniting for Peace" resolution". *Indian Journal of International Law* volume 57, pages285–307(2017). from: https://link.springer.com/article/10.1007/s40901-018-0084-9.

ازاین‌گونه اقدامات جلوگیری شود و عمدهٔ امور را در اختیار دبیر کل سازمان ملل متحد قرار دهند. جدا از این طرح، یکی دیگر از مهم‌ترین اقداماتی که تلاش دارد وتوی شورای امنیت را محدود کند، طرحی تحت عنوان «قانون رفتار ، گروه انسجام و شفافیت (ACT)»، است. در این طرح دبیر کل با استفاده از ظرفیت‌ها و تخصص سیستم سازمان ملل، از کشورهای عضو می‌خواهد یک سری تعهدات را برای حمایت از شورای امنیت «به‌موقع و قاطع» انجام دهند.[1]

بنابراین ملاحظه می‌گردد که مسئلهٔ تحدید حق وتو در سطح جهان حتی توسط اعضای دائم شورای امنیت در موارد خاص مطرح‌شده است، ولی تاکنون این موضوع به تصویب سازمان ملل نرسیده و تمام ۵ عضو دائم با این مسئله موافقت نکرده‌اند. چراکه کشورهای عضو دائم از اینکه قطعنامه‌هایی با این مضمون منافع اقتصادی و سیاسی آنها را با خطرات جدی مواجه کنند، از تصویب و یا تأیید آن سرباز زده‌اند. معذلک در آیندهٔ نزدیک، تحدید حق وتو نه‌تنها در جنایات گسترده علیه بشریت، بلکه در موارد مشابه دور از انتظار نیست و اصلاح عملکرد شورای امنیت از اهم موضوعاتی است که در سطح جهانی موردتوجه قرارگرفته است. به همین دلیل باید به‌منظور بررسی بهتر این مسئله به رویکرد اعضای دائم شورای امنیت به‌حق وتو در ۱۰ سال اخیر اشاره کنیم.

۴.۲.۴. تحدید حق وتو در ۱۰ سال اخیر

حال در مورد رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال جنایات ۱۰ سال اخیر، قطعاً به جنایاتی که در عراق و سوریه نظر رسانه‌های بین‌المللی را به خود جذب کرده است، باید اشاره کنیم. کریم اسد احمدخان، رئیس گروه سازمان ملل متحد که در حال تحقیق دربارهٔ این جنایات وحشیانه است، در مورد جنایات گروه تروریستی داعش در خاورمیانه به اعضای دائم شورای امنیت گزارش داد که دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) در دانشکده نظامی نیروی هوایی عراق در تکریت علیه مردم و نظامیان تحت آموزش این دانشکده و کادرهای غیرمسلح و پرسنل نظامی اقدام به نسل‌کشی کرده است. محقق مذکور در این مورد به اعضای دائم گزارش داد: «هزاران نفر بر اساس این اولتیماتوم کشته شدند، یا به‌طور دسته‌جمعی اعدام و یا هنگام فرار تیرباران شدند». وی افزود «هزاران نفر دیگر به بردگی کشیده شدند، زنان و کودکان از خانواده‌هایشان ربوده شدند و مورد وحشیانه‌ترین سوءاستفاده‌ها قرار گرفتند، ازجمله تجاوز جنسی

1. Melling Graham& Dennett Anne ibid, pages285–307.

و سایر خشونت‌های غیرقابل‌تحمل. هدف این اقدامات از بین بردن دائمی ظرفیت این زنان و کودکان برای فرزندآوری و ایجاد خانواده در جامعه ایزدی بود».[1]

آنچه در این مورد محرز است، جنایات داعش و سایر گروه‌های تروریستی در این کشورهای علیه بشریت بود. اما انتقادی که به این مسئله به اعضای دائم شورای امنیت وجود دارد، این است که رویکرد منفعت‌طلبانه‌ای نسبت به این جنایات داشتند. چراکه باوجود گزارش‌ها مبنی بر توسعهٔ جنایات داعش در عراق و سوریه، رسانه‌های کشورهای غربی نظیر آمریکا و انگلیس دیدگاه‌های سیاسی را جایگزین رویکرد حقوق بشری قراردادند. به این معنا که تلاش کردند حکومت‌های عراق و سوریه را نامشروع و این مهم را دلیل اصلی رشد گروه‌های تروریستی نظیر داعش و القاعده اعلام کنند. تا جایی که جنایات علیه زنان و کودکان این کشورها مذکور به حاشیه رانده شود و از آنها نامی برده نشود.

دومین و مهم‌ترین رویکرد اعضای دائم شورای امنیت به بحث مسائل امنیتی و تروریستی در جهان، به موضوع ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در چند سال اخیر برمی‌گردد. چراکه از دیدگاه کشورهای استکباری و استعمارگر غربی و متحدان منطقه‌ای آن، تهران کشوری است که از هرگونه امکانات لازم در راستای رسیدن به قدرت برتر برخوردار است و لذا به‌راحتی می‌تواند به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شود. به همین منظور درصدد برآمدند که خشونت اجتماعی را در داخل کشور ایران به‌منظور حذف افرادی که در این راستا به جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کنند، نظیر دانشمندان هسته‌ای، حذف فیزیکی کنند. تا سایر افرادی که در این علم مشغول آزمایش و تحصیل هستند، نتوانند به‌صورت جدی فعالیت خود را ادامه دهند.

البته باید این نکته را نیز اضافه کنیم، ترور هسته‌ای ایران همان‌گونه که مطرح کردیم، به‌منظور جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای انجام شد. اما نباید این‌گونه بیان کنیم که حذف فیزیکی تنها راه و استراتژی کشورهای غربی بود. زیرا همان‌گونه که نظریه‌پرداز معروف سازمان موساد، «مایرداگان»، مطرح کرد، یا از طریق حذف فیزیکی دانشمندان یا از طریق توسعهٔ خشونت مردمی در داخل جامعهٔ ایران و تغییر هویت نظام این کشور باید از رسیدن تهران به این

1. Briefing Daily Noon(2020). “ISIL/Da’esh Committed Genocide of Yazidi, War Crimes against Unarmed Cadets, Military Personnel in Iraq, Investigative Team Head Tells Security Council”. Available in: https://www.un.org/press/en/2021/sc14514.doc.htm.

تکنولوژی جلوگیری کرد. زیرا کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی سه‌راه بیشتر در مقابل تهران نداشتند: ۱-تسخیر ایران؛ ۲- ایجاد تغییر حاکمیت؛ ۳- متقاعد ساختن سیاسی ایران به‌منظور توقف فعالیت‌های هسته‌ای خود. ازآنجایی‌که دو گزینهٔ اول از محالات می‌باشد و نیز متقاعد کردن ایران به‌منظور توقف فعالیت خود غیرممکن است، کشورهای مذکور تلاش کردند تنش‌های اجتماعی و تظاهرات گسترده‌ای را به‌منظور افزایش خشونت در این کشور ایجاد کنند و در کنار این مسائل، افراد مهم را حذف کنند.[1] بنابراین با توجه به وظایف شورای امنیت که در مطالب فوق به آن اشاره کردیم، رویکرد سازمان ملل، به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت، آنچه در طول این ده سال نشان داده، به شکل ناعادلانه و غیر بشری روند خود را طی کرده است که در این نمودار به مهم‌ترین وتوهای ناعادلانه اشاره می‌کنیم.

04 October 2011	S/2011/612	S/PV.6627	Middle East - Syria	China Russian Federation
18 February 2011	S/2011/24	S/PV.6484	Middle East situation, including the Palestinian question	USA
15 June 2009	S/2009/310	S/PV.6143	Georgia	Russian Federation
11 July 2008	S/2008/447	S/PV.5933	Peace and Security - Africa (Zimbabwe)	China Russian Federation
12 January 2007	S/2007/14	S/PV.5619	Myanmar	China Russian Federation
11 November 2006	S/2006/878	S/PV.5565	Middle East situation, including the Palestinian question	USA
13 July 2006	S/2006/508	S/PV.5418	Middle East situation, including the Palestinian question	USA
05 October 2004	S/2004/783	S/PV.5051	Middle East situation, including the Palestinian question	USA
21 April 2004	S/2004/313	S/PV.4947	Cyprus	Russian Federation
25 March 2004	S/2004/240	S/PV.4934	Middle East situation, including the Palestinian question	USA
14 October 2003	S/2003/980	S/PV.4842	The situation in the Middle East, including the Palestinian question	USA
16 September 2003	S/2003/891	S/PV.4828	The situation in the Middle East, including the Palestinian question	USA
20 December 2002	S/2002/1385	S/PV.4681	The situation in the Middle East, including the Palestinian question	USA

منبع: (https://www.asriran.com/fa/news/373855).

1. Bergman Ronen(2018). "When Israel Hatched a Secret Plan to Assassinate Iranian Scientists". Available in: https://www.politico.com/magazine/story/2018/03/05/israel-assassination-iranian-scientists-217223. Access to: 5, March, 2018.

همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌کنیم، روند وتوهایی که در طی این چند سال به‌ویژه ۱۰ سال اخیر ایجادشده، بیشتر روند سیاسی و در قالب تأمین منافع ملی اعضای دائم شکل‌گرفته است تا اینکه درصدد تأمین امنیت و صلح بین‌المللی باشند. این به‌نوبهٔ خود نهایت سلیقه‌ای بودن بیانیه‌های اعضای دائم شورای امنیت مبنی بر امنیتی خواندن مسائل موجود در نظام بین‌الملل است. چراکه با کشته شدن یک معمار ساختمانی در اربیل عراق، دولت وقت آمریکا، دونالد ترامپ، در این مورد بیان کرد که کشته شدن این معمار با جدیدت تمام موردبررسی قرار می‌گیرد و باعث‌وبانی‌های آن محاکمه خواهند شد. این مسئله دستاویزی برای ترور سردار سلیمانی شد. چراکه به‌زعم دولت آمریکا، ناامنی‌هایی که خود باعث آن بودند، توسط ایران در عراق شکل‌گرفته است. لذا ترور سردار سلیمانی را یک موفقیت برای خود قلمداد کردند. اما با ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در چند سال اخیر هیچ‌گونه رویکردی نسبت به این جنایات توسط کشورهای غربی ابراز داده نشد و کشورهای چین و روسیه فقط در حد رسانه این مشکلات را محکوم کردند.

۵. تحلیل یافته‌ها

پس از جنگ سرد، عرصهٔ روابط بین‌الملل شاهد تحولات عمده‌ای بوده است و این تحولات، از تحول ساختار نظام بین‌الملل تا موازنهٔ قدرت و روابط ایدئولوژیک، نظامی، اقتصادی و تکنولوژیک اعضای دائم شورای امنیت را در برمی‌گیرد و درنتیجهٔ این تحولات، تقابل‌ها و تضادهای اعضای دائم تا حد زیادی فروکش کرده است. فروپاشی شوروی از سال ۱۹۹۱ نقطه عطفی در روابط و موازنهٔ قدرت اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. با کاهش قابل‌ملاحظهٔ شوروی در قالب روسیه، منافع متضاد برخاسته از آن قدرت نیز کاهش پیداکرده و فضا برای همکاری اعضای دائم فراهم‌شده است. ازجملهٔ دلایل این همکاری جدید می‌توان به گرایش روزافزون روسیه و چین به‌نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد و نیز مماشات این دو کشور در مقابل غرب و ایالات‌متحده آمریکا اشاره کرد.[1] این مماشات و همکاری متقابلاً از جانب غرب و ایالات‌متحده آمریکا نیز صورت گرفته است. به‌هرحال، به دلیل بروز تحولات در موازنهٔ قدرت و

1. Campos, Rodrigo, *U.S. vetoes U.N. resolution denouncing violence against Palestinians, World News* , June 1, 2018, p21.

روابط اعضای دائم شورای امنیت در دورهٔ پس از جنگ سرد، کاهش منافع متضاد این اعضا، امکان بیشتر رایزنی‌ها و مشورت‌های آنان در اثر تحولات صورت‌گرفته، امروزه شاهد تحدید حق وتو در شورای امنیت هستیم؛ به‌نحوی‌که اعضای دائم به وتوهای پنهان روی آورده و با مذاکرات پنهانی و اعمال‌نفوذ بر اعضای غیردائم موجب شده‌اند که به‌طور غیرمستقیم نسبت به مسائل مطرح در شورای امنیت و تصمیم‌گیری در خصوص آن، وتو صورت پذیرد. به دلیل همین تحولات به وجود آمده درصحنهٔ بین‌المللی، مسئلهٔ تحدید حق وتو نیز توسط کشورهای عضو سازمان ملل متحد پیشنهاد شده است تا در خصوص مسائل مهم جهان، نظیر بحران‌های منطقه‌ای و جنایات جنگی، استفاده از حق وتو با محدودیت مواجه گردد.

با نگاه مقایسه‌ای به آمار قطعنامه‌های وتوشده و تصویب‌شده می‌توان دریافت تا چه اندازه عملکرد شورای امنیت[1] تحت تأثیر پنج عضو دائم شورای امنیت بوده است. برای مثال، می‌توان به سال ۱۹۴۶ اشاره کرد که از ۲۸ قطعنامهٔ مطرح‌شده در شورای امنیت ۱۳ مورد آن وتو گردید و یا در سال ۱۹۴۹ از ۲۶ قطعنامهٔ مطرح‌شده در شورا فقط ۱۲ مورد تصویب گردید و ۱۴ مورد دیگر با وتو مواجه شده است. در سال ۱۹۷۱ از ۲۸ قطعنامه مطرح‌شده در شورا تنها ۱۶ مورد تصویب گردید و ۱۱ مورد وتو شد. در سال ۱۹۸۱ از ۶۱ قطعنامه مطرح‌شده از شورا که عمدتاً در خصوص انتخاب دبیر کل سازمان ملل بوده، ۴۷ مورد وتو گردید و تنها ۱۵ مورد تصویب‌شده است. این مثال فقط مقطع زمانی ۱۹۸۱-۱۹۴۶ را در برمی‌گیرد، اما با تأمل در آن می‌توان به نحوهٔ عملکرد قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت پی برد. بنابراین کل وتوهای انجام‌شده در شورای امنیت از ۱۹۹۱ – ۱۹۴۵ بالغ بر ۲۷۹ مرتبه بوده است؛ در نمودار زیر مشخص‌شده است که هرکدام از اعضای دائم شورا در چند مورد اقدام به وتو نموده‌اند.

۱. یکی از منابع نارضایتی از شورای امنیت این واقعیت است که شورا هرگز نهادی دموکراتیک نبود، و اصولاً قرار نبوده که نهادی دموکراتیک باشد (هابگر، ۲۰۱۰، ص ۱۹۷).

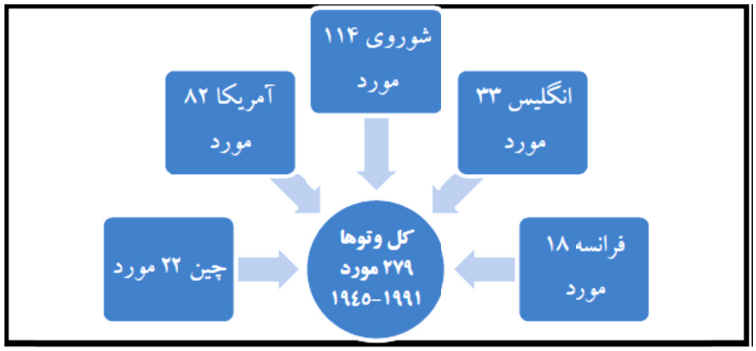

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان بیان کرد که وتوهای انجام‌شده در شورای امنیت در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ در خصوص سه مسئلهٔ کلی به شرح زیر بوده است:

۱. مسئله پذیرش، اعضای جدید در سازمان ملل ۵۹ مرتبه که ۵۱ مورد توسط اتحاد جماهیر سابق یا روسیه فعلی، ۶ مورد توسط آمریکا و ۲ مورد توسط چین صورت گرفته است.[1]

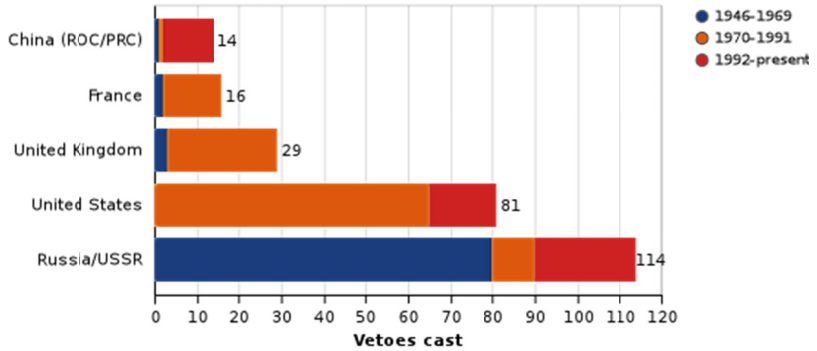

Number of resolutions vetoed by each of the five permanent members of the Security Council from 1946 until present

۲. وضعیت مسائل سیاسی ۱۵۶ مرتبه، که بیشترین مورد مسائل خاورمیانه۴۲ مرتبه، نامی‌بیا ۲۱ مرتبه بوده است.

۳. عملیات مسائل سازمان ملل ۶۴ رتبه که ۴۳ مرتبه آن مربوط به انتخاب دبیر کل بوده است.[2]

1. Einsiedel, Sebastian, et al. The UN Security Council in the 21st Century. Lynne Rienner. Chapter 2, The UN Security Council: Decisions and Actions by Peter Wallensteen and Patrik Johansson, pg.35. October 2015, p35.

2. V.patil,Anjali(1992).The UN Veto in Worled affairs 1946-1990:Case Histories the Security Concils Veto,vnifo pabns Ltd.usa, p467.

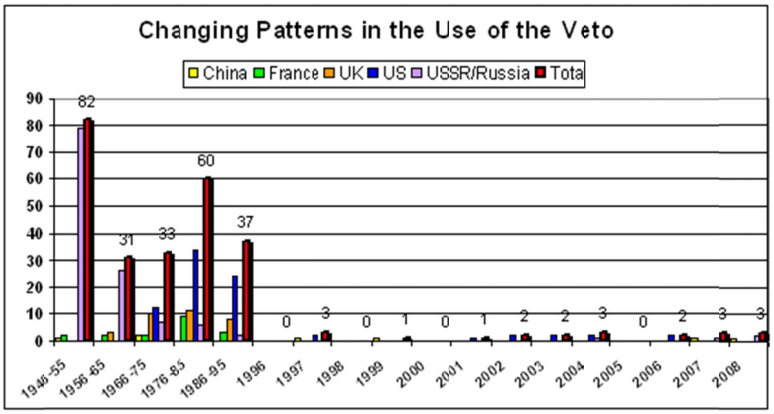

در فاصلهٔ سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ نیز ۱۵ وتو به‌وسیلهٔ کشورهای روسیه، آمریکا و چین به وجود آمده و با این کار مانع از تصمیم‌گیری در بسیاری از موضوعات مهم شده‌اند.[1] همچنین در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ نیز ۲۲ تصمیم مهم مربوط به اوضاع در جمهوری بولیوی ونزوئلا، وضعیت فلسطین، وضعیت خاورمیانه و ... به دست اعضای دائم شورای امنیت وتو شد.[2]

داشتن حق وتو و اعطای امتیاز خاص به ۵ عضو دائمی شورای امنیت و عدم داشتن حاکمیت شورای امنیت سازمان ملل، علاوه بر اینکه جلوه‌هایی از نابرابری ناشی از ساختار توزیع قدرت بین‌المللی تلقی می‌شود، همچنین می‌تواند چالش‌هایی را در فرایند امنیت‌سازی که همان مطلوبیت نهایی برای سازمان ملل متحد به شمار می‌رود، به وجود آورد. چراکه عدالت، امنیت و تعادل بین‌المللی را نمی‌توان بر اساس قدرت سازمان‌دهی نمود. بنابراین داشتن این حق به‌مراتب قدرتمند از در اختیار داشتن سلاح است.

بنابراین با پذیرفتن چنین حقی هرگونه اقدام از طریق شورای امنیت علیه اعضای دائم غیرممکن است. چنانچه یکی از اعضای دائم شورا نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه، کشور مزبور می‌تواند با استفاده از حق وتو مانع هرگونه تصمیم‌گیری شورا علیه آن کشور شود. تا زمانی که قطعنامهٔ اتحاد برای صلح ایجاد شد و تا حدودی از این مشکل به وجود آمده درنتیجه وتوی اجباری قدرت‌های عضو دائم شورای امنیت، کاسته شد. در قسمت بعد روند شکل‌گیری قطعنامهٔ اتحاد برای صلح و چرایی عملی نشدن آن توضیح داده می‌شود.

1. Emmanuela, Florence, *The Security Council's sine qua non: The Veto Power*, school of arts and sciences, 2018, p35.
2. "Security Council - Veto List". Dag Hammarskjöld Library Research Guide, 2019.

۶. قطعنامه اتحاد برای صلح و جایگاه آن

در یک دوره از جنگ سرد این نهادهایی که مسئول تأمین امنیت و صلح بین‌المللی بودند، به دلیل وتوهای پی‌درپی اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا، میزان قدرت آنها در تأثیرگذاری بر مسائل مذکور کاهش پیداکرده بود. چراکه اتحاد جماهیر شوروی بیش از ۱۲۰ بار حق وتوی خویش را اعمال کرده بود و نهایتاً هر قطعنامه‌ای که صادر می‌گردید، با وتوی یکی از این قدرت‌ها مواجه می‌شد. در پی بن‌بست تصمیم‌گیری در شورای امنیت و در جریان جنگ کره، در سال ۱۹۵۰ وقتی‌که اتحاد جماهیر شوروی از اقدام سازمان ملل به‌ویژه شورای امنیت علیه این کشور جلوگیری کرد، به پیشنهاد امریکا قطعنامهٔ ۳۳۷ مجمع عمومی، معروف به قطعنامه اتحاد برای صلح با استناد به مواد ۱۰ و ۱۲ فصل چهارم منشور تصویب شد که به‌موجب آن دبیر کل سازمان ملل و مجمع عمومی تأثیرگذاری قابل‌توجهی بر روند تأمین صلح و امنیت بین‌المللی به دست آوردند.[1]

به‌موجب این قطعنامه، به مجمع عمومی اختیار داده شد تا ظرف ۲۴ ساعت تشکیل جلسه داده و برای مقابله با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی و تجاوز به آن، تدابیر اجرایی الزام‌آور را توصیه نماید. درواقع هدف از تصویب این قطعنامه جبران ناتوانی شورای امنیت به علت عدم توافق اعضای دائمی برای مقابله با تجاوز بود. این قطعنامه تا سال ۱۹۸۷ باقدرت قابل‌توجهی به راه خود ادامه داد تا زمانی که شورای امنیت بر اساس این قطعنامه یا مجمع عمومی بیانه‌ای علیه اسرائیل صادر کرد که بایستی اجرا شود. اما ازآنجایی‌که اسرائیل موردحمایت سیاسی و حقوقی آمریکا و کشورهای اروپایی بود، این قطعنامه مورد تأیید قرار نگرفت و به نوعی از کارایی آن کاسته شد. در اینجا ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد، حق وتویی که بعد از تصویب سازمان ملل به قدرت‌های برتر نظام بین‌الملل داده شد، باعث می‌شود هرگونه قطعنامه که با منافع این قدرت‌ها مغایرت داشته باشد، مورد تأیید قرار نگیرد یا از قدرت آن کاسته شود. به‌عبارتی‌دیگر، قطعنامه‌های سازمان ملل باید بر اساس منافع کشورهای قدرتمند تنظیم شود و سایر کشورهایی که عضو دائم شورای امنیت نیستند یا از امتیاز حق وتو برخوردار نمی‌باشند، هیچ نقشی در ادامه یا منسوخ کردن قطعنامه‌هایی که در سازمان ملل تصویب می‌شوند، ندارند.

1. Domi Tanya L & et al(2003). “Alliance for Peacebuilding”. Available in: https://www.linkedin.com/company/alliance-for-peacebuilding. Access to: 5, March, 2003.

نتیجه‌گیری

حق وتو علی‌رغم اینکه در منشور سازمان ملل متحد به آن تصریح نشده است، به‌عنوان یک واقعیت و رویهٔ متداول وجود دارد و اعضای دائم شورای امنیت می‌توانند در مسائل ماهوی از این حق خود استفاده نمایند و تصمیمات شورای امنیت را تحت تأثیر قرار دهند. اعمال حق وتو، ازلحاظ تاریخی با فرازوفرودهایی مواجه بوده است؛ به‌ویژه اینکه طرز عمل آن در دوران جنگ سرد و پس‌ازآن با رویکرد متفاوتی همراه بوده است. امروزه به دلیل تحولات بین‌المللی و تغییر موازنهٔ قدرت در سطح جهانی و همکاری و همزیستی بیشتر اعضای دائم شورای امنیت به دلیل روابط و همبستگی‌های اقتصادی و غیراقتصادی، مسئلهٔ حق وتو و اعمال آن دچار تحولاتی نسبت به قبل شده است و اعضای دائم بیشتر تلاش می‌کنند تا به‌طور غیرمستقیم و پنهان حق وتو را اعمال نمایند. درواقع به دلیل تحول روابط بین اعضای دائم و منافع مشترک آنها اعمال حق وتو کاهش‌یافته و با محدودیت‌های جدی مواجه شده است.

همچنین طرح نظریات مربوط به تحدید حق وتو در مواردی نظیر جنایات گسترده علیه بشریت توسط دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و سایر گروه‌ها و نهادهای بین‌المللی این امر را تأیید می‌نماید که امروزه دیگر حق وتو از جایگاه والا و مطلقی برخوردار نیست و ایجاد محدودیت برای اعضای دائم در اعمال حق وتو از موضوعات مهمی است که در پیشبرد اهداف سازمان ملل متحد و به‌طور خاص شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت جهانی[1] می‌تواند نقش حیاتی ایفا نماید.

1 .International Peace and Security

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. بیگ‌زاده، ابراهیم، ***حقوق سازمان‌های بین‌المللی***، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۴.

۲. ثقفی عامری، ناصر، ***سازمان ملل متحد، مسؤولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی***، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.

۳. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، ***نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل***، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴.

۴. شایگان، فریده، «***شورای امنیت سازمان ملل متحد و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی***»، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.

۵. عسگرخانی، ابومحمد، ***رژیم‌های بین‌المللی***، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳.

۶. مشیرزاده، حمیرا، ***تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل***، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۴.

۷. موسی زاده، رضا، ***حقوق سازمان‌های بین‌المللی حقوق شورای امنیت***، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.

۸. هانتینگتون، ساموئل، ***برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم نوین جهانی***، ترجمه محمدعلی رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.

مقاله

۹. پورمرادی، علی اصغر، **حق وتو، چالش‌ها و موانع پیش روی جهان اسلام**، مجله دادرسی، ۱۴۰۰، شماره ۱۴۷، صص ۴۷ – ۵۴.

۱۰. جعفری، علی‌اکبر، **نظریه نئورئالیسم و اتحاد استراتژیک میان آمریکا ـ اسرائیل**، پژوهشنامه حقوق و سیاست، ۱۳۸۶، شماره ۶.

۱۱. دولاح، عبدالصمد و میرشهبیز شافع، **کارآیی حق وتو در پیشگیری از نقض حقوق بشر با تاکید بر مناقشه فلسطین**، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۰، ۱۳۹۶، شماره ۷۸، صص ۱۰۷-۱۳۰.

۱۲. زمانی، سیّدقاسم و مسعود صبور، **قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و خروج آمریکا از برجام: از شأن نزول ماده ۱۰۳ منشور ملل متحد تا نزول شأن آن،** مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۱۹، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۴۴، صص ۷-۳۶.

۱۳. سجادپور، سیدمحمد کاظم و زهرا آقا محمدی، **شورای امنیت، قدرت‌های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، چارچوب‌های مفهومی و کارکردهای عملیاتی،** فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، ۱۳۹۴، شماره ۲۸، صص ۱۸۸- ۱۶۱.

۱۴. عبدالهی، محسن و کیوان بهزادی، **موانع آمره بودن قاعده منع توسل به‌زور،** مجله حقوقی بین‌المللی؛ پاییز ـ زمستان ۱۳۹۹، شماره۳۶، صص ۱۷۱-۱۹۸.

۱۵. فرخ سیری، منصور، «**محدودیت‌های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم‌های اقتصادی**»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۵، ۱۳۸۷، شماره ۳۹، صص ۲۹-۵۸.

۱۶. علی اکبری، رستم، **بررسی علل ناکارآمدی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین المللی،** مجله تمدن حقوقی، ۱۳۹۸، شماره ۴، صص ۹۷ – ۱۱۷.

۱۷. مشیرزاده، حمیرا، **واقع‌گرایی و لیبرالیسم و جنگ آمریکا علیه عراق،** فصلنامه سیاست خارجی، سال هجدهم، ۱۳۸۴، شماره ۴.

۱۸. مافی همایون و همکاران، **تدابیر منصفانه در رویه دیوان دعاوی ایران - ایالات‌متحده،** فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۳، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۹۲، صص ۱۹۷-۲۲۲.

۱۹. موسی زاده، رضا و ارسلان جمشیدی، **وتوی پنهان و تاثیر آن بر روند تصمیم‌سازی در شورای امنیت سازمان ملل متحد،** مجله سازمان‌های بین المللی، ۱۳۹۸، شماره ۸، صص ۵ - ۴۴ .

پایان‌نامه و رساله

۲۰. اسدی، محمد، «مسئولیت حمایت و شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۷-۲۰۰۶)»، رساله دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی، پردیس بین‌الملل، ۱۳۹۸.

۲۱. بابایی، مجتبی، «نقش مصلحت در شورای امنیت سازمان ملل متحد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران، ۱۳۹۴.

۲۲. چهل تنی، سید مهدی، «اصلاحات در شورای امنیت با در نظر گرفتن خاص برحق وتو»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
۲۳. دانشمند، ندا، «تحلیل حقوقی تأثیر تحریم‌های شورای امنیت بر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۸.
۲۴. دوستی، جعفر، «بررسی پیشنهادهای مربوط به اصلاحات ساختاری در شورای امنیت سازمان ملل متحد و آینده آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶.
۲۵. رحیمی دستجردی، سهیلا، «موارد کاربرد حق وتوی شورای امنیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۲۶. مجتهدی، شبنم، «علل حقوقی ناکارآمدی شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین‌الملل، واحد بین‌الملل دانشگاه شیراز، ۱۳۹۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

27. Andrew F. Cooper, John English and Ramesh Thakur, *Enhancing Global Governance: Towards a New Diplomacy*, Tokyo: United Nations University Press, 2002.
28. Anjali V. Patil, *United Nations Veto in World Affairs: A Complete Record and Case History of the Security Council's Veto,* Florida: Unifo Publishers, first published 1992.
29. Emmanuela, Florence, *The Security Council's sine qua non: The Veto Power*, school of arts and sciences, 2018.
30. Morgenthau, Hans Jauchim (1985). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*, New York: knopf.
31. Neff, Donald, *An updated list of vetoes cast by the united states to shield Israel from criticism by the U.N. security council. Washington Report on Middle East Affairs*, 2005.
32. Nichols, Michelle , *Russia casts 13th veto of U.N. Security Council action during Syrian war*, September 19, 2019.
33. Okhovat, Sahar, *The United Nations Security Council: Its Veto Power and Its Reform*, The Centre for Peace and Conflict Studies The University of Sydney, 2012.
34. V.patil,Anjali(1992).*The UN Veto in Worled affairs 1946-1990:Case Histories the Security Concils Veto*,vnifo pabns Ltd.usa.

Articles

35. Afoaku Osita G. & UkagaOkechukwu(2001). "The Security Council of the United Nations". Irish Studies in International Affairs,Vol. 2, No. 2 (1986), pp. 13-33 (21 pages), Published By: Royal Irish Academy.
36. Habegger, Beat ," Democratic Accountability of International Organizations", *Cooperation and Conflict*, Vol. 45, No. 2.2010.
37. Einsiedel, Sebastian, et al. The UN Security Council in the 21st Century. Lynne Rienner. Chapter 2, The UN Security Council: Decisions and Actions by Peter Wallensteen and Patrik Johansson, pg.35. October 2015.
38. Melling Graham& Dennett Anne(2018). "The Security Council veto and Syria: responding to mass atrocities through the "Uniting for Peace" resolution". *Indian Journal of International Law volume 57*, pages285–307(2017). from: https://link.springer.com/article/10.1007/s40901-018-0084-9.
39. Michael J. Kelly, U.N. "Security Council Permanent Membership: A New Proposal for a Twenty-First Century Council", *Seton Hall Law Review*, Volume 31, Issue 2, Article 1, 2011.
40. Melling, Graham, The Security Council veto and Syria: responding to mass atrocities through the "Uniting for Peace" *resolution, Indian Journal of International Law*, December 2017, Volume 57, Issue 3–4, pp 285–307.
41. Miller, Benjamin (2010), "Democracy Promotion: Offensive Liberalism Versus the Rest of IR Theory", *Journal of International Studies*, Vol. 38 No.3.
42. McCulloch, Allison & Stef Vandeginste,"Veto power and power-sharing: insights from Burundi (2000–2018)", *Journal Democratization Volume 26*, 2019 - Issue 7 .
43. Padelford Norman J(1948). "The Use of the Veto". *nternational Organization*Vol. 2, No. 2 (Jun., 1948), pp. 227-246 (20 pages), Published By: University of Wisconsin Press.
44. Scruton, Roger, *the Palgrave Macmillan Dictionary of Political Thought, "Veto", New York, Palgrave Macmillan*, Third Edition, 2007.
45. "Security Council - Veto List". *Dag Hammarskjöld Library Research Guide.*
46. Wouters, Jon and Ruys,Tom, "Security Council reform: a new veto for a new century?", *Institute for International Law*, Volume 26, No.4, 2005.

Electronic resources

47. Campos, Rodrigo, U.S. vetoes U.N. resolution denouncing violence against Palestinians, World News , June 1, 2018.CFR Staff(2020). "The UN Security Council". From: https://www.cfr.org/backgrounder/un-security-council.

48. celine Nahory, The Hidden Veto. May 2004. Available at: http://www.globalpolicy. Org/ component/ content/ article/ 185/ 42656. Html. (july 21. 2012).
49. Chan Steve(2003). " Power, Satisfaction and Popularity: A Poisson AnalysisofUNSecurityCouncilVetoes".from:https://journals.sagepub.com /doi/10.1177/0010836703384001.
50. Griffiths, Martin, "Beyond the Bush Doctrine: American Hegemony and World Order", from: www.griffith.edu.au/dspace/handle/10072/24862. 2005.
51. Gibney James(2018)."The UN's Darkest Hour". Available at:https:// www.bloombergquint. com/opinion/the-united-nations-and-u-s-disengagement-under-trump.
52. Read more at: https://www.bloombergquint.com/opinion/the-united-nations-and-u-s-disengagement-under-trump Copyright © Bloomberg Quint
53. Kjellén Daniel(2015). "The Hidden Veto". Available at: http://stopillegitimatevetoes.org/podcast/the-hidden-veto.
54. Lättilä Ville(2019). "A New Proposal For UN Security Council Reform", from: https://www.oxfordresearchgroup.org.uk/blog/a-new-proposal-for-un-security-council-reform.
55. Madeleine O. Hosli et al, Squaring the circle? Collective and distributive effects of United Nations Security Council reform, Published online: 29 March 2011 Available at: http://link.springer.com/content/pdf/10.1007%2Fs11558-011-9101-1.pdf.